

۳۰۷ - ای مسجون محزون

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳۰۷ - ای مسجون محزون

ای مسجون محزون، آشفته مباش و آزرده مگرد پزمرده منشین و افسرده مباش زیرا زندان بحبّت آن یار بی نشان ایوان گردد و سلسله زنجیر بچین یوسفی شود چاه اوج ماه گردد و تنگای حبس صحرای جانفزا، شب و روز بنفحات گلشن تقدیس همدم باش و بیاد بلایا و محن جمال قدم مشغول شو آنچه را آن دلبر مهربان در مدّت مدیده کشیده ما در ایام عدیده تحمل نتوانیم و از دیده خون بباریم. تو حمد کن خدا را که در حبس در سبیل حقّ زجر دیدی و بلایا و محن مبتلا گشتی ایام راحت بگذرد و نتیجه ئی نبخشد اما هر دقیقه که در سبیل الهی زجر کشیده شود آنرا نتایج غیر متناهیست.



ORIGINAL



AUDIO